

شکل‌گیری مدارس نوین در کرمانشاه علی امینی^۱

چکیده

یکی از تحولات مهم کرمانشاه در دوره قاجاریه، آموزش و پرورش و پیدایش و گسترش مدارس نوین بود که تحت تأثیر الگوها، مجاری و مؤلفه‌های مختلف منطقه‌ای از جمله متأثر از موقعیت اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی خاص منطقه و فرامنطقه‌ای از جمله بازتابی از تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کل جامعه ایران در برخورد با عناصر فرهنگی و تمدن مغرب زمین به وقوع پیوست. جریانی که پس از استقرار و گسترش نسبی، افزون بر تحول نظام آموزشی با سازوکارها و رویکردهای نوین خود، در رشد فکری و علمی و عملی، در نسل جوان و سایر گروه‌های اجتماعی در جامعه آن روزهای کرمانشاه نقش سازنده‌ای داشته است. مقاله حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، جریان پیدایش و استقرار نظام نوین آموزشی در کرمانشاه به‌عنوان پیشینه فرهنگی و معارف منطقه، در راستای مطالعه و بازکاوی نخستین تجربیات بنیان و پیشگامان در برنامه‌ریزی آموزشی را مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش سنتی، مدارس جدید، آموزش نوین، کرمانشاه.

^۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی.

مقدمه

کرمانشاه از دیرباز تاکنون از ایالت‌های مهم ایران محسوب می‌شده و از جنبه‌های گوناگون از قبیل: موقعیت جغرافیایی و طبیعی خاص، بروز تحولات متعدد سیاسی، حوادث تاریخی، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و شکل‌گیری حکومت‌های محلی حائز اهمیت بوده است و داشتن این خصوصیات ویژه موجب گردیده تا در سیر حیات خود، به‌عنوان یکی از مراکز مهم مورد توجه قرار گیرد و در سده‌های اخیر از آغاز قاجاریه که تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران به آهستگی راه می‌پیمود، این قسمت از سرزمین کهن‌سال نیز شاهد این تطور تحمیلی و یا طبیعی باشد (سلطانی، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

در قرن نوزدهم میلادی به دنبال اوج‌گیری رقابت‌های استعماری، ایران به علت موقعیت استراتژیک سیاسی و اقتصادی خاص خود، مورد توجه کشورهای بزرگ اروپایی چون روسیه تزاری و بریتانیا قرار گرفت. البته پدیده استعمار علی‌رغم پیامدهای بسیار منفی که برجای گذاشت، باعث شد تا در برخوردهایی که جامعه سنتی ایران با دنیای آن روز پیدا کرد، فکر توسعه و پیشرفت جامعه و استفاده از علم روز جامعه مدنظر قرار گیرد. از جمله پیامدهای آن، آشنایی رجال و بخشی از دولت-مردمان عصر قاجاریه با عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی مغرب زمین بود که باعث شد اولین دغدغه‌ها در راستای گذار از جامعه سنتی به جامعه‌ای توسعه‌یافته و پیشرفته شکل بگیرد.

فرهنگ و تمدنی که با رویه دوگانه خویش کل دنیا را تحت تأثیر قرار داد، یکی از ابعاد آن درزمینه تعلیم و تربیت و تأسیس مدارس بود. فرآیند تعلیم و تربیت در ایران فاقد جنبه‌های نو و نگرش‌های جدیدی بود که نیازهای جامعه را برطرف سازد. امری که تحول آن اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. از این‌رو آن دسته از افرادی که در مورد چاره-

جویی برای جبران عقب‌ماندگی‌های کشور در برابر پیشرفت‌های جدید برآمده بودند، ضمن انتقاد گسترده از آن نظام، می‌کوشیدند راه را برای شکل‌گیری و گسترش مدارس نوین هموار سازند. بدین ترتیب نخستین گام با تأسیس دارالفنون توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم معروف ناصرالدین‌شاه برداشته شد. در ادامه هم با گسترش موج برپایی مدارس نوین، نهاد تعلیم و تربیت جدید، عهده‌دار تحقق اهدافی چون: تعلیم و تربیت جدید، آموزش شیوه مشارکت‌های اجتماعی آنان در مسائل مختلف مدنی و تربیت نسل جدید برای بخش‌های مختلف حکومت گردید.

کرمانشاه به‌عنوان یکی از ایالت‌های مهم کشور که تحولات آن از یک‌سو تحت تأثیر تحولات کلان کشور و از سوی دیگر تابعی از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود بود، در راستای همگانی و رشد و توسعه متوازن با کل کشور، شاهد تغییرات و تحولات در زمینه آموزش و پرورش بود. یکی از زمینه‌های مهم این تحولات، تغییر در نظام آموزش سنتی آن بود که به‌عنوان جزئی از نهاد تعلیم و تربیتی کشور، دیگر پاسخ‌گویی نیازمندی‌های علمی و آموزشی منطقه نبوده است. از این رو تحول آن با برپایی مدارس نوین، از دید پیشگامان این عرصه فرهنگی در کرمانشاه، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

طرح مسأله

پیدایش و گسترش مدارس جدید در منطقه کرمانشاه به‌عنوان شکل نوین آموزش و پرورش، بازتاب تغییرات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران دوره قاجاریه به شمار می‌رود: پیشگامان تأسیس مدارس نوین به‌عنوان بخشی از فعالان و کوشندگان زمانه طریق چاره‌جویی برای برطرف ساختن عقب‌افتادگی‌های علمی و فرهنگی کشور و نیز حل مشکلات و آسیب‌های فردی و اجتماعی جامعه خود را، در

برپا سازی ساختار آموزشی و پرورشی جدید می‌دیدند که افزون بر جهت‌گیری به‌سوی فراهم ساختن زمینه‌های پیشرفت علمی و فرهنگی کشور از طریق استفاده از شیوه‌ها و دستاوردهای آموزشی نوین، در راستای تربیت مدنی و تقویت بنیادهای مشارکت‌جویانه اجتماعی در نسل‌های جوان کشور، همچنین زدودن آسیب‌های اخلاقی موجود در نظام سیاسی دوره قاجاریه و پرورش فضایل اخلاقی در باورهای فرزندان این کشور گام بردارد. در این راستا منطقه کرمانشاه بنا به موقعیت جغرافیایی خود از مجاری مختلفی برای آشنا شدن با الگوها و شیوه‌های برپاسازی مدارس نوین برخوردار بوده است. از این‌رو در مطالعه حاضر بررسی چگونگی پیدایش و استقرار نظام نوین آموزش در کرمانشاه به‌عنوان یکی از ایالت‌های مهم جامعه ایران دوره قاجاریه مدنظر قرار می‌گیرد.

سازمان‌های آموزشی در ایران دوره اسلامی

با سقوط سلسله ساسانی توسط اعراب، جامعه ایران تغییرات و تحولات بنیادی در اهداف، نگرش‌ها، بینش‌ها و کارکردهای نهادهای مختلف اجتماعی خود از جمله نهاد تعلیم و تربیت تجربه کرد. چراکه جامعه گسترده‌ای شکل گرفت که عوامل اصلی همگرایی آن قرآن به‌عنوان کتاب آسمانی، احادیث نبوی و زبان عربی محسوب می‌گردید. جامعه اسلامی در ابتدا با نیازمندی‌های خاص خویش که بر اساس تعلیمات مذهبی شکل گرفت و بیش از هر چیز تربیت مذهبی در اولویت قرار داشت. از این‌رو مراکز اجتماعات مذهبی در کنار اهمیت مذهبی، کارکردهای سیاسی اجتماعی و علمی هم داشته‌اند. از آنجا که بیشتر علوم مذهبی مورد توجه بود، لذا نخستین جایگاه تعلیم این علوم «مسجد» بوده است. بنابراین در آغاز کارکردهای آموزشی و علمی جزو کارکردهای مساجد محسوب می‌گردید. اما در مراحل بعدی به

علل گسترش جامعه اسلامی و پیدایش نیازمندی‌های جدید و لزوم آموزش علوم جدیدی که چندان صبغه خاص مذهبی نداشتند، منجر به شکل‌گیری و اشاعه مدارس اسلامی گردید. در ایران دوره اسلامی هم به‌عنوان بخشی از جامعه بزرگ اسلامی، مساجد نخستین جایگاه تعلیم و تربیت محسوب می‌گردید. با این تفاوت که زودتر از همه کشورهای اسلامی مرکز تعلیم از مسجد به مدرسه انتقال یافت. (صفا، ۱۳۲۰: ۳۰).

علاوه بر مساجد و مدارس، سازمان‌های دیگری چون: بیمارستان‌ها، خانقاه‌ها، رباط‌ها، مشاهد و مجالس و عفا و مناظره هم بوده‌اند که در کنار کارکردهای اصلی خویش در فرآیند تعلیم و تربیت نقش بسزایی داشته‌اند. به گواه تاریخ نماد تعلیم و تربیت ایران دوره اسلامی با سازمان‌های تعلیمی متعدد و با شیوه‌های آموزشی متنوع خویش به‌خوبی توانسته است که از عهده مسئولیت خود در امر تعلیم و تربیت جامعه برآید. به‌طوری‌که در دوران مترقی خویش با تربیت دانشمندان و متفکرین بزرگی که نقش بسزایی در تولید علم داشته‌اند، میراث گران بهایی برای آیندگان به ودیعه گذاشت. (صفا، ۱۳۲۰، ص ۳۱).

آموزش سنتی دوره قاجاریه در کرمانشاه

در ایران پیش از مشروطه فرآیند تعلیم و تربیت به‌مانند امروز همگانی و فراگیر نبود. بلکه قشر محدودی از سواد و تحصیل در سازمان‌های تعلیمی آن بهره‌مند بوده‌اند با تعلیم و تربیت این افراد هم معمولاً به دو شکل صورت می‌گرفت. یکی از طریق مدارس دینی، دیگر به‌وسیلهٔ مکتب‌خانه‌هایی بود که از قبل فعالیت داشته‌اند.

الف- مدارس دینی

مدارس دینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های آموزشی نظام تعلیم و تربیت ایران پیش از مشروطه، در حقیقت ادامه مدارس اسلامی قرون گذشته محسوب می‌گردید که در اغلب شهرهای ایران دوره قاجار، تعداد قابل‌توجهی از طلاب علوم دینی را تحت تعلیم و تربیت قرار می‌دادند و اغلب «... کسانی که ملا شدن خواستندی...» (کسروی، ۱۳۶۹: ص ۱۹) پس از تحصیلات مقدماتی در مکتب-خانه‌ها، اقدام به ادامه تحصیل علوم قدیمه‌ای چون: صرف و نحو عربی، منطق، اصول فقه، حکمت و مانند این‌ها در این مدارس می‌نمودند. البته در میان این طلاب کسانی هم که طالب درجه اجتهاد بودند، برای تحصیل در مراحل عالی‌تر عازم مدارس مشهورتر با اساتید بزرگی در شهرهایی چون اصفهان و عتبات عالیات می‌شدند. لازم به ذکر است در کرمانشاه از دیرزمانی عده قلیلی از طلاب علوم معقول و منقول در کرمانشاه مشغول به تحصیل بوده که در میان آنان چند نفر علما بزرگ به ظهور رسیده است و بعضی از طلاب در محضر علما بزرگ و بعضی دیگر در مساجد شیخ عبدالرحیم، عمادالدوله، حاجی شهباز خان، نواب و مسجد شاهزاده مشغول تحصیل شده و برخی در عتبات عالیات به تکمیل تحصیلات خود پرداخته‌اند. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۲).

ب- مکتب‌خانه

مکتب‌خانه یکی دیگر از سازمان‌های تعلیم و تربیت ایران پیش از مشروطه- البته به شکل تقریباً فراگیر بود که فرآیند تعلیم و تربیت مقدماتی، تقریباً طیف محدودی از فرزندان و نوباوگان کشور را در راستای پرورش اخلاقی، انتقال ارزش‌های دینی، دانش‌اندوزی صرف و تا حدی پرورش ذهنی را بر عهده داشته است. این مکتب‌خانه-ها که معمولاً در مساجد شهرها و محلات، سرگذرها، بازار، خانه‌های شخصی اعیان و اشراف (مکتب‌خانه‌های خانوادگی یا سرخانه) و یا محل سکونت مکتب‌دار تشکیل

می‌یافتند، گاهی «کتاب» و مکتب‌دار را «ادیب» «معلم» «مؤدب» «ملا» «میرزا» و حتی زنانی که به امر تعلیم مشغول بودند، «ملا باجی» می‌خوانده‌اند. (صدیق: ۱۳۵۴، ص ۳۸۲).

آموزش مکتب‌خانه‌ای که تقریباً شکل فراگیر تعلیم و تربیت آن دوره محسوب می‌شد، اغلب عمومیت نداشته، بلکه غیر از فرزندان اعیان، اشراف، بازرگانان و توانگران امکان تحصیل اطفال طبقات فرودست جامعه به علت فقدان استطاعت مالی فراهم نبوده است. شروط کودکان به این مکتب‌خانه‌ها این بود که کودک از عهده شست‌وشو و طهارت خویش برآید. یعنی از سن شش و هفت‌سالگی وارد مکتب شده، تحت تعلیم و تربیت معلمان آن زمان که اغلب از طبقه روحانیون بودند، قرار می‌گرفتند، اما در خصوص اهداف و انگیزه کسانی که وارد این سازمان تعلیمی می‌شدند، می‌توان گفت عده‌ای از اطفال پس از تحصیل در این مکتب‌خانه‌ها وارد مدارس دینی می‌شدند، و با ادامه تحصیل در علوم قدیمه به کسوت روحانیون درمی‌آمدند، درواقع این شیوه‌ای آموزشی مقدمه‌ای بود برای ورود به مدارس قدیم. عده‌ای دیگر از اطفال که معمولاً فرزندان بزرگان، اشراف، قشر دیوان‌سالار، بازرگانان و تجار بودند هدف و انگیزه آن‌ها از تحصیل در این مکاتب، ورود به عرصه اجتماع و عهده‌دار شدن نقش و مقام دیوانی و پرداختن به مشاغل پدران چون بازرگانی و تجارت بود. گروه سوم می‌بودند که پس از تعلیم و تربیت در این مکاتب با کسب حداقلی از علم و دانش زمان و نیز تمرین خوشنویسی، نقش معلمان مکاتب یا میرزاهای محلی را ایفا می‌کردند. نظام تعلیم و تربیت در سرزمین کرمانشاه آن دوره به‌عنوان یکی از ایالات مهم کشور، به‌مانند سایر نقاط کشور بوده چراکه فرآیند تعلیم و تربیت اطفال و فرزندان این منطقه در سازمان‌های آموزشی چون مکتب‌خانه و مدارس اسلامی صورت می‌گرفت. تحصیلات مقدماتی معمولاً در مکتب‌خانه‌ها صورت می‌گرفت و اگر کسانی طالب ادامه تحصیل

در علوم قدیمه بودند وارد مدارس اسلامی می‌شدند که در کرمانشاه فعالیت داشته‌اند. اما آنچه به‌طور کلی می‌توان در خصوص فرآیند تعلیم و تربیت مکتب‌خانه‌ها در کرمانشاه عنوان این است که شرایط و فضای کلی حاکم بر آن‌ها تقریباً به‌مانند مکتب‌خانه‌های سراسر کشور بوده است. در کرمانشاه هم همانند جاهای دیگر «منظره وحشتناک مکتب‌خانه‌ها یا به‌عبارت‌دیگر سیاه‌چال‌های اطفال بی‌گناه از خاطره‌ها فراموش نگردیده بلکه هنوز در گوشه و کنار عده‌ای از این زندان‌ها به نظر می‌رسد و از وضع تحصیل و تربیت و تعلیم قرون سالفه حکایت می‌کند» (سالنامه معارف کرمانشاه، ۱۳۰۵: ص ۴) مکتب‌خانه‌ها در کرمانشاه غالباً در دکان‌ها و اتاق‌های مرطوب، کثیف و تاریک تأسیس می‌شد و مسائل بهداشتی رعایت نمی‌شد و همچنین از چوب و فلک شکنجه، استفاده می‌شد در جدول شماره ۱ و ۲ مشخصات مکاتب کرمانشاه به‌طور مختصر آمده است.

جدول شماره ۱ (سالنامه معارف کرمانشاه، ۱۳۰۵: ص ۶۷)

ردیف	اسم صاحب	تعداد شاگرد	ردیف	اسم صاحب	تعداد شاگرد
۱	میرزا علی اکبر	۱۶	۱۶	آقا شیخ حسن	۶
۲	صحبت	۵	۱۷	میرزا باقر	۱۲
۳	میرزا شاکر	۱۲	۱۸	میرزا علی اصغر	۵۰
۴	ملا محمد امین	۱۹	۱۹	میرزا ابوالقاسم	۴۰
۵	شیخ محمد	۹	۲۰	میرزا احمد رضا	۵
۶	شیخ	۱۵	۲۱	میرزا حسن	۲۵

				غلامحسین	
۲۴	عزیز الله	۲۲	۱۵	سید عبدالحسین شیرازی	۷
۲۲	آقا سید تقی	۲۳	۱۰	میرزا کریم	۸
۱۱	آقا شیخ محمد رضا	۲۴	۴۰	میرزا ابراهیم	۹
۱۵	مرشه قربانعلی	۲۵	۱۸	کربلایی غلامعلی	۱۰
۲۰	میرزا حبیب	۲۶	۸	میرزا علی داد	۱۱
۳۱	شیخ غلامحسین خرم آبادی	۲۷	۱۸	میرزا علی اکبر	۱۲
			۴۲	حاج اعتضاء الشریعه	۱۳
			۱۰	آقا سید احمد	۱۴
			۱۸	میرزا نقی	۱۵

جدول شماره ۲ (سازمان اسناد ملی، ۲۹۷/۲۶۸، ۶۲۹ غ ۳ آپ ۱، ۱۳۳۳ ق/

برگه ۲)

اسم مؤسس	محل مکتب خانه	تعداد شاگرد	کتب تدریس شده
میرزا بگ	مسجد نواب	۱۷	عمه جزو
آقا میرزا ابراهیم	مسجد نواب	۴۰	فارسی و قرآن
آقا شیخ عبدالحسین	برز و دماغ	۴۰	عمه و جزو
آقا سید احمد	درب حمام وکیل	۴۰	فارسی
میرزا نقی	سر چشمه	۴۰	فارسی

میرزا باقر	مسجد کیوکش‌ها	۷	فارسی و قرآن
آقا شیخ عباس	مسجد کیوکش‌ها	۱۲	قرآن و عمه جزو
میرزا شاکر	فیض آباد	۱۵	قرآن و کتاب
میرزا محمد کریم	ضرابی‌ها	۸	قرآن و کتاب
آقا شیخ غلام حسین	مسجد جامع	۴۱	قرآن و صرف و نحو
میرزا اسماعیل	طوبله توپخانه	۱۴	فارسی و قرآن
ملا حسین	درب حمام سیه نور	۱۴	عمه جزو، کتاب جوهری

۱ - مدارس جدید اولیه

نظر به اینکه کرمانشاه یکی از مناطق سرحدی است و با ممالک خارجی روابط اقتصادی داشته، از اکثر مناطق نزدیک به کرمانشاه از جمله کردستان زودتر درصدد تأسیس مدارس جدید و تحصیل علوم مختلف بوده‌اند. فقدان وسایل ارتباط جمعی، عدم توجه اولیاء امور دوره قاجار و صدها علل دیگر از ترقی و تعالی ادامه آنان جلوگیری کرده و تا دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه اثری از مدارس جدید در این منطقه نبوده و اشخاصی که ممالک خارج را دیده یا گاهی جراید فارسی (اختر، ثریا، پرورش و حبل‌المتین) را که در کشورهای خارج به چاپ می‌رسید، مطالعه می‌کردند همواره آرزوی افتتاح مدارس جدیدی را با اسلوب فرهنگی و علمی جدید داشتند ولی چنانکه اشاره شد، به‌واسطه نداشتن وسایل، مدتی این کار به تأخیر افتاد و تا اینکه میرزا حسینقلی خان مهندس و آقا شیخ محمد سعید به کرمانشاه آمده و اسباب تأسیس دو مدرسه بنام محتشمیه و اسلامیه را فراهم و در مدت اندکی نسبتاً خدمات شایانی به اهالی کرمانشاهان ارائه دادند. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۶).

۱ - ۱ مدرسه محتشمیه

نخستین مدرسه به سبک جدید توسط میرزا حسین‌علی‌خان مهندس گوران (هندسی) در سال ۱۲۷۸ (ش.ه) تأسیس شد و با الگوپذیری از مدارس جدید که خود تعلیم‌یافته آن بود و نیز اتکا به توان اقتصادی و پایگاه عشیره‌ای و صاحب‌منصب دولت، در منزل شخصی مجلس درسی را تشکیل داد که پس از مدتی با مساعدت و همدلی جلال‌الدین میرزا محتشم الدوله به‌صورت مدرسه درآمد. به اهتمام حسین‌علی‌خان مهندس جمعی نزدیک به ۵۰ نفر نوآموز جذب این محفل آموزشی شدند و نخستین کلاس درس به سبک جدید در کرمانشاه دایر شد. این کلاس‌ها با پاره‌ای از معیارهای فیزیکی مدارس جدید همخوانی داشت از جمله دارای میز و نیمکت و تخته‌سیاه بود، دانش‌آموزان لباس متحدالشکل داشتند، در این مدرسه جزوه‌های برگرفته و منتخبی از متون قدیم مانند شرعیات - فارسی - تعلیم خط - هندسه و مختصری از تاریخ و جغرافیا تدریس می‌شد. نخستین معلمان میرزا حسین‌خان گوران، صباح کازرونی، میرزا آقا مهدی و ترجم السلطان (از صاحب‌منصبان گمرک) بودند. می‌توان مهم‌ترین نوآوری مدرسه را شیوه ساده در الفباء، تدریس زبان فرانسه و مشق نظامی دانست. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۶).

۱-۲ مدرسه اسلامیة:

همزمان با گشایش مدرسه محتشمیه در کرمانشاه، شخصیت فرهنگ دوست دیگری به نام شیخ محمد سعید که در خارج از کشور تحصیل کرده بود؛ به کرمانشاه آمد. او نیز به شیوه میرزا حسین‌علی‌خان مهندس نیز در منزل شخصی، مجلس درسی تشکیل داد و بعدازآن با کمک مرحوم میرزا اسماعیل‌خان (معاذ الملک) و جمعی دیگر از معارف‌خواهان موفق به تأسیس مدرسه اسلامیة شده و مرحوم شیخ

محمدتقی شیرازی هم در آن مدرسه مشغول تدریس گردید. مواد تحصیلی این مدرسه، فارسی، عربی، فرانسه و حساب بود و مرحوم علاءالدوله در تشویق کارکنان مدرسه جدیت کامل مبذول داشته و کمک‌های مادی و معنوی زیادی می‌نمود. شاگردان این مدرسه مشق توپخانه کرده و به پیشرفت شایانی نیز نائل شده بودند. اوژن اوبن در کتاب ایران امروزه شرحی از محصلین این مدرسه و تحصیلات فرانسه آنان نوشته است. مواد درسی مدرسه شامل: زبان‌های فارسی، عربی و آموزش حساب بود. مدرسه اسلامیة مقارن با انحلال مدرسه محتشمیه منحل گردید. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۷).

۳-۱ مدرسه علمیه اسلامیة ۱۳۱۹ (ق.۵) / ۱۹۰۱ م

با ورود شاهزاده فرمانفرما به کرمانشاه ریاست مدرسه محتشمیه را محمدتقی و ریاست مدرسه اسلامیة را شیخ محمدسعید به عهده داشتند. در این زمان بین دو رئیس مدرسه اختلاف افتاد و به علت پشتیبانی شاهزاده فرمانفرما از شیخ محمدتقی، وی از مدرسه محتشمیه خارج شد و مدرسه علمیه اسلامیة را در محله سرتپه کرمانشاه تأسیس کرد. گشایش مدرسه جدید علمیه اسلامیة و پشتیبانی حکمران وقت موجب جلب شاگردان در مدرسه محتشمیه و اسلامیة شد تا سرانجام به انحلال آن‌ها انجامید. این مدرسه از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۸ ه.ق به مدت ۱۸ سال برپا بود و در تمامی این مدت شیخ محمدتقی تصدی آن را بر عهده داشت. با وجود فراز و نشیب سال‌های جنگ جهانی اول و مشکلات دیگر، مدرسه علمیه اسلامیة موجودیت خود را حفظ کرد، و علت دوام طولانی موجودیت مدرسه به خاطر مدیریت حاج محمدتقی بود که به علت مقام شیوخیت از سوی مخالفان مدارس جدید حمایت می‌شد، و آزادی‌خواهان و فرهنگ‌دوستان نیز به سبب علاقه فراوان به

مدرسه‌های جدید از موجودیت آن پشتیبانی می‌کردند. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۸).

شمار شاگردان مدرسه در دوره گوناگون عمر نسبتاً طولانی آن دچار نوسان‌های فراوان بود. در دوره جنگ جهانی اول در اثر فشار برخی مهاجران واژه علمیه از نام مدرسه برداشته شد و به نام مدرسه اسلامیّه تغییر نام داد. مدرسه علمیه اسلامیّه تا زمان درگذشت متصدی باوفای آن شیخ محمدتقی (۱۲۹۸ ه.ش) دوام آورد و پس از آن جز مدارس دولتی شد. طبق احصائیه مدارس کرمانشاه وضعیت این مدرسه به صورت جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۳: (سازمان اسناد ملی، ۲۶۸۲۳/۲۹۷۰۲۹ غ ۳ آپ ۱۳۳۳، ق ۱،

ص ۲۰)

ردیف	اسامی	سمت	توضیحات
۱	شیخ محمد تقی شیرازی	مدیر	در علوم عربی و فقه و اصول و حکمت تبحر داشت و از علمای کرمانشاه بود. و ۵۰ سال سن داشت.
۲	شیخ محمد علی فراقی	ناظم	قبلاً ناظم مدرسه علمیه اسلامیّه نجف اشرف بود
۳	شیخ داودی	معلم کلاس اول	
۴	میرزا احمد جوهری بروجردی	معلم کلاس دوم	

از آنجاکه مدرسه خصوصی بود، ظهیرالدوله صفا علی در دوران حکمرانی (۱۳۲۶ ق.ه) برای اولین بار در کرمانشاه نمایشی برقرار کرد و چون ظهیرالدوله در میان مردم محبوبیت زیادی داشت، تعداد زیادی از مردم در آن نمایش شرکت کردند که قریب

هزار تومان از آن نمایش گردآوری شد، که مبلغ هنگفتی در آن زمان بود و آن را به مدرسه علمیه اسلامیة تخصیص داد. (نواب صفا: ۱۳۷۱، ص ۴۵۶).

۱-۴ مدرسه رشديه. ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م

در اواخر سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م به همت سيد احمد آقا ميرعبدالباقي و ميرزا حسين خان ناظمي و ميرزا اسدالله محرم، مدرسه‌اي به نام مدرسه رشديه در کرمانشاه تأسیس شد. این مدرسه به علت نداشتن منابع مالي و وسايل آموزش نتوانست بیش از ۶ ماه دوام آورده و منحل شد. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۹).

۱-۵ مدرسه حقوق: ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م

این مدرسه به همت انجمن حقوق کرمانشاه در سال ۱۳۲۶ ه. ق تأسیس شد و همه اعضاي انجمن به‌ویژه شاهزاده سلیمان میرزا محسن (وزیر سابق معارف) محمدباقر میرزاي خسروي و میرزا احمدخان معتمدالدوله و شاهزاده سلمان میرزا کرمانشاهي، شاهزاده ابوالقاسم میرزا و گروه دیگر از فرهنگ دوستان کرمانشاه، برای پیشرفت این مدرسه تلاش فراوان کردند. مدیریت افتخاري آن را محمدباقر میرزا خسروي بر عهده گرفت، مدرسه حقوق تا زمان شورش سالارالدوله فعال بود و پس از آن از فعالیت بازماند. پس از سرکوبي شورش سالارالدوله و استقرار نظم دولتي، در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م به کوشش معاضد الملک و با اثاث این مدرسه، مدرسه دولتي بنا نهاده شد و سرانجام به مدرسه دولتي احمديه تغيير نام داد. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۹).

فريد الملک همدانی در خاطرات خود از برگزاری امتحانات مدرسه حقوق یاد می‌کند که خود شاهد آن بوده است. «بنا به دعوت به مدرسه حقوق کرمانشاه رفتم که شاگردهای آن مشغول امتحان بودند یک طبقه (کلاس) از شاگردهای ابتدایی

آمدند خوب امتحان دادند. بعد که به طبقه دیگر رسید بنای باران و نگرگ آمدن گذاشت باران طوری شدت داشت که حیاط مدرسه را آب گرفت و مجلس را برهم زد از حیاط نشد بیرون بیاییم به پشت بامها رفته و از حیات همسایه‌ها پایین آمدیم». (همدانی: ۱۳۵۴، ص ۲۱۱).

۶-۱ مدرسه نصرت ۱۳۲۸ ق/ ۱۹۱۰ م

در سال ۱۳۲۸ ق/ ۱۹۱۰ م مدرسه نصرت کرمانشاه به همت و یاری حاج محمدتقی اصفهانی که از بزرگان و مالکان کرمانشاه بود، تأسیس شده چون عنوان تلگرافی حاج محمدتقی نصرت بود، مدرسه را نیز به همین نام خواندند. مخارج مدرسه از املاک و مستغلات حاج محمدتقی تأسیس می‌شد که بعدها برای آن موقوفاتی نیز اختصاص داد. نامبرده افزون بر تأسیس ساختمان و دیگر مخارج مدرسه مخارج ۳۰ تن از کودکان یتیم را نیز تأمین می‌کرد در اواخر ذی‌حجه ۱۳۲۸ ق/ ۱۹۱۰ م بر اثر اختلافات میان مدیر مدرسه یعنی آقا محمد معتمدالتجار و حاج محمدتقی مشاجراتی درگرفت که منجر به تعطیلی مدرسه شد پس از آن حاج محمدتقی تمام اثاث و محل مدرسه را به معاضد الملک نماینده معارف واگذار کرد و نامبرده نیز مدرسه دولتی نصرت را به جای آن بنا نهاد. حاج محمدتقی اصفهانی در وقف‌نامه مربوط به مدرسه شرط وقف را دایر بودن مدرسه قرار داده بود که متأسفانه به آن عمل نشد. (سالنامه معارف کرمانشاه: ۱۳۰۵، ص ۱۰).

طبق صورت اثاثیه مدارس دولتی اداره معارف کرمانشاه در سال ۱۳۰۰ (ش.ه)

صورت اثاثیه مدرسه نصرت به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره ۴: (سازمان اسناد ملی، ۲۹۷۱۷۰۷۳۶، ۳۲۳، ۴ س آپ)

ردیف	نوع اثاثیه	عدد
۱	میز و نیمکت	۱۶
۲	صندلی	۵
۳	صندلی	۶
۴	تخته دیگته	۲
۵	میز جلو معلم	۲
۶	تابلو درب مدرسه	۱
۷	نقشه جغرافیا دیواری	۵
۸	چهار پایه کوچک	۲
۹	بخاری آهنی با لوله	۴
۱۰	نقشه ایران قدیم	۱
۱۱	زنگ کوچک	۱
۱۲	آفتابه	۱

نتیجه

پیدایش و گسترش مدارس نوین به‌عنوان شکل نوین آموزش و پرورش، یکی از تحولات فرهنگی و آموزشی مهم کرمانشاه در دوره قاجاریه بود. بانیان و پیشگامان مدارس نوین کرمانشاه، به‌عنوان بخشی از فعالان و کوشندگان آگاه زمانه، در عکس- العمل به عقب‌ماندگی‌های جامعه کرمانشاه عصر قاجاریه خصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت نظام آموزشی سنتی در کرمانشاه همسان با سایر نقاط کشور، به علت ایستایی و عدم تحول در ساختار نهادی خود و نیز فقدان رویکردهای نوین در شیوه‌ها و کارکردهای آموزشی و تربیتی، فاقد مؤلفه‌های تحول‌آفرین بود. در شکل‌گیری و گسترش مدارس نوین در کرمانشاه مجاری و الگوهای متعددی مؤثر بوده‌اند مجاری چون تهران به‌عنوان مرکزیت سیاسی و تحولات فرهنگی دوره قاجاریه و تأثیر آن بر سایر ایالات کشور از جمله کرمانشاه، نقش فرانسویان (در قالب فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی لازاریست، تأسیس مدرسه آلیانس کرمانشاه و ترویج زبان و ادبیات فرانسه) و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی پروتستان‌های آمریکایی).

در خصوص آغاز شکل‌گیری و مراحل گسترش مدارس جدید کرمانشاه می‌توان به دو مرحله قائل شد مرحله اول از سال ۱۲۷۸ ه. ش تا انقلاب مشروطیت، مرحله دوم از انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۰۴ ش. در مورد موانعی که فراروی برپایی و گسترش مدارس جدید کرمانشاه بوده‌اند می‌توان به دو مقوله منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اشاره نمود. ۱- منطقه‌ای از قبیل شیوه حکومت استبدادی، تهاجم بیگانگان (با توجه به اینکه کرمانشاه در نقطه استراتژیک و مرزی بود) مخالفت‌ها و مقاومت‌های گروه‌های مخالف و متحجر، مشکلات اقتصادی، وقوع خشک‌سالی، بیماری‌های چون وبا و طاعون. ۲- موانع فرامنطقه‌ای هم شامل: حوادث سیاسی - اجتماعی چون انقلاب مشروطیت، به توپ بستن مجلس شورای ملی، فتح تهران، جنگ جهانی اول

(بخصوص در جنگ جهانی اول برای کرمانشاه) و غیره، که همگی نقش عمده‌ای در بروز ناامنی و نابسامانی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور داشته‌اند. امری که در نهایت موجب تأخیر در برپایی نهادهای نوین آموزشی و تحول فرهنگی و معارفی کل کشور از جمله منطقه کرمانشاه می‌گردید.



پیوست ها



بنام خدا
 شماره پرونده ادو مدرسه کرمانشاه ۱۳۰۰
 شماره ۱۱۱
 بنام تسخیر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 [اداره معارف کرمانشاهان]
 تاریخ ۱۹۲۷
 شماره ۲۲
 در جواب نامه شماره ۱۳۹۹۲۴ راجع به صورت ادو به تعلیمی حاکمانه که در آنجا ذکر شده و در مورد
 و چون ما که خیر است که در این باره با شما هم عرض کنیم که تعلیم است و حق برای این همه مختصراً
 مدارک تصدیق می دهیم که در این باب که در سند و غیره که در صورت است آن تقدیم می
 نماید از آنکه در آن زمان بود و در این زمینه با پیشین نیز شایسته است که در این باره
 توان بود به سندی که در این باب است که در این باره است که در این باره است که در این باره
 میسر از این زمان شخصی بود که در این باره است که در این باره است که در این باره
 باقی مانده به طرف اینه با نام سر کس خواهد رسید و با اوست آن تعلیم از آن یکی خواهد
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی
 ۱۳۰۰ ۸ ۲۷

منابع

الف: کتب و روزنامه و مقالات

۱. امیر احمدی، احمد (۱۳۷۳)، *خاطرات نخستین سپهبد ایوان*، تهران، مؤسسه پژوهش مطالعاتی.
۲. اوژن، اوین (۱۹۰۶/۱۹۰۷)، *ایران امروز*، ترجمه کیکاوس علی اصغرسعیدی، تهران، زوار.
۳. ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸)، *مدارس دخترانه از مشروطیت تا پهلوی*، تهران، سازمان اسناد ملی.
۴. *روزنامه بیستون* چاپ کرمانشاه.
۵. رینگر، ام. ونیکا، آموز (۱۳۸۲)، *دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمه حقیقت خواه، تهران، ققنوس.
۶. سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۰)، *جغرافیایی تاریخی و تاریخ مفصل*، تهران، شقایق.
۷. سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۸)، *احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه*، تهران، مؤسسه فرهنگی نشرسها.
۸. صدیق، عیسی (۱۳۵۲)، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، دانشگاه تهران.
۹. صفاء، ذبیح الله (۱۳۲۰)، «آموزشگاه‌های ایران دوره اسلامی»، مجله آموزش و پرورش، تهران، انتشارات اداره کل نگارش.
۱۰. علوی کیا، محمدعلی (۱۳۸۴)، *تاریخ آموزش و پرورش نوین کرمانشاه ۱۳۲۲- ۱۲۷۸ هـ. ش*، کرمانشاه، طاق بستان.
۱۱. کسروی، احمد (۱۳۶۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، امیرکبیر.

۱۲. ناطق، هما (۱۳۸۰)، *کارنامه فرهنگی در ایران*، تهران، انتشارات معاصر پژوهان.

۱۳. نواب صفا، اسماعیل (۱۳۷۸)، *قصه شمع*، تهران، نشر البرز.

۱۴. همدانی، فریدالملک (۱۳۵۴)، *خاطرات فرید*، تهران، زوار.

۱۵. هوگو، گروته (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجد جلیلود، تهران، نشر مرکز.

ب: اسناد

۱. سازمان اسناد ملی، ۲۹۷/۲۶۸، ۶۲۹ غ ۳ آپ ۱، ۱۳۳۳ ق / برگه ۲
۲. سازمان اسناد ملی، ۲۹۷/۲۶۸۲۳، ۲۹ غ ۳ آپ ۱۳۳۳، ۱ ق، ص ۲۰
۳. سازمان اسناد ملی، ۲۹۷۱۷۰۷۳۶، ۳۲۳ س ۴ آپ
۴. سازمان اسناد ملی: ۲۹۷/۲۳۲۴۲، ۱۱ غ ۱ آپ ۱، ۱۳۰۱، ش، ۲
۵. سازمان اسناد ۲۹۷/۳۶۸۳۵، ۷۱۲ م ۲ آپ ۱، ۱۳۰۳، ۱

ج: سالنامه و راپورت و احصائیه

۱. احصائیه مدارس ۱۳۰۶ ه. ش وزارت معارف و صنایع مستظرفه.
۲. سالنامه وزارت معارف و اوقاف مستظرفه، تهران، ۱۲۹۷.